



## Use of Internal Capability in International Oil Contracts, A Comparative Approach to the Iraqi Service Contracts, Iran's IPC Model and the Norwegian Concession Contracts

Abbas Esfandiary Khaledy<sup>1</sup> , Mahmoud Jalali<sup>2</sup> 

1. Department in International & Public Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: [esfandiarkhaledy@yahoo.com](mailto:esfandiarkhaledy@yahoo.com)

2. Corresponding Author; Department of Law, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: [m.jalali@ase.ui.ac.ir](mailto:m.jalali@ase.ui.ac.ir)

### Article Info

**Article type:**  
Research Article

**Manuscript received:**  
31 July 2021  
**final revision received:**  
30 October 2021  
**accepted:**  
2 February 2023  
**published online:**  
16 August 2023

**Keywords:**

*Local content, Oil and gas, Iran, Norway, Iraq.*

### Abstract

The use of domestic technical and service capacity in the oil and gas industry is essential and is one of the indicators of economic development. Countries seek to support domestic capacity and promote it through the establishment of laws and regulations as well as the inclusion of binding conditions in contracts. In our country, this matter is doubly important because, on the one hand, it seeks to reduce the effect of all-round Western sanctions and reduce dependence on other countries, and on the other hand, in recent decades, the income from oil and gas resources is the main source of the country's foreign exchange income. In this research, the basic question is: What is Iran's legislative and contractual approach to the principle of using local content compared to successful and leading countries in this field, and which countries have a successful model in this field, and by collecting materials using a library method and using analytical and descriptive research method, in the beginning, this hypothesis was proposed that the country of Iran sought to reduce its dependence on foreign content, but due to sanctions and lack of capital and manpower, it had weaknesses in this field. At the end, the answer to the research question has been given that Iran's legislator, realizing the importance of this issue, has passed laws related to the promotion of local content in different time frames, but still the oil industry is facing weaknesses in this field and the hypothesis proposed at the beginning of the research was correct to some extent, but the implementation of the laws has faced weaknesses due to the existence of various sanctions, and it was concluded that in the new contractual model of Iran, compared to the previous models, all the weaknesses of other contractual models have not been covered in general. In the contracts and technical features similar to conventional fields and contracts in Norway, due to successful modeling in this field, it can be a good example for negotiators and designers of Iranian oil contracts.

**Cite this article:** Esfandiary Khaledy, Abbas; Mahmoud Jalali. "Use of Internal Capability in International Oil Contracts, A Comparative Approach to the Iraqi Service Contracts, Iran's IPC Model and the Norwegian Concession Contracts", *Energy Law Studies*, 9 (1): 1-18.  
DOI:<https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.325349.446>



© The Author(s).

DOI:<https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.325349.446>

**Publisher:** University of Tehran Press.



## استفاده از توان داخل در قراردادهای بین‌المللی نفتی؛ تطبیق قراردادهای خدماتی عراق، مدل آی.پی.سی ایران و امتیازی نروژ

عباس اسفندیاری خالدي<sup>۱</sup> , محمود جلالی<sup>۲</sup> 

۱. گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه:

[esfandiarkhaledy@yahoo.com](mailto:esfandiarkhaledy@yahoo.com)

۲. نویسنده مسئول: گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: [m.jalali@ase.ui.ac.ir](mailto:m.jalali@ase.ui.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۵/۹

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۰/۸/۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۱۳

تاریخ چاپ:

۱۴۰۲/۵/۲۵

کلیدواژه‌ها:

اصل استفاده از توان

داخلی، قراردادهای

آی.پی.سی، قراردادهای

خدمات، عراق، نروژ.

ظرفیت‌سازی محلی در صنعت نفت و گاز امری ضروری و یکی از شاخصه‌های توسعه اقتصادی است و در کشور ما اهمیتی دوچندان دارد؛ چراکه درآمد حاصل از نفت و گاز منبع اصلی درآمد ارزی کشور است. در مقاله پیش‌رو، این پرسش اساسی مطرح است که رویکرد تقنینی و قراردادی ایران به اصل استفاده از توان داخل چه بوده و کدام کشورها الگویی موفق در این زمینه داشته‌اند و با گردآوری مطالب به روش کتابخانه‌ای و استفاده از روش تحقیق تحلیلی و توصیفی، در انتها این پاسخ به پرسش داده شده است که قانون‌گذار ایران با درک اهمیت این موضوع، در بازه‌های زمانی مختلف نسبت به تصویب قوانین مرتبط با ارتقای توان داخل اقدام کرده است، اما همچنان صنعت نفت در این زمینه با ضعف‌هایی روبه‌روست. قراردادهای بیع متقابل، در این زمینه دارای ضعف‌هایی بود. به‌رحال در الگوی جدید قراردادی ایران نیز به‌طور کلی همه ضعف‌های بیع متقابل پوشش داده نشده است و این نتیجه حاصل شد که قراردادهای عراق به علت همانندی در قراردادها و نروژ به علت الگوسازی موفق در این عرصه، می‌تواند سرمشقی برای قراردادهای ایران باشد. همچنین شرایط لازم را که بهره‌برداری مناسب از منابع، آن‌ها را تشویق می‌کند، ایجاد کنند.

**استناد:** اسفندیار خالدي، عباس؛ محمود جلالی (بهار و تابستان ۱۴۰۲). «استفاده از توان داخل در قراردادهای بین‌المللی نفتی: تطبیق قراردادهای خدماتی عراق، مدل

آی.پی.سی ایران و امتیازی نروژ»، (۱۹): ۱۸ - ۱. DOI:<https://doi.com/10.22059/JRELS.2023.325349.446>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.



## مقدمه

به‌تازگی کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز با اتخاذ سیاست‌های مختلفی در پی افزایش هرچه بیشتر سهم خود از عملیات نفتی هستند. تصویب قوانین حداکثر استفاده از توانمندی‌های داخلی، ازجمله این روش‌هاست تا با التزام در به‌کارگیری خدمات نیروی انسانی، تجهیزات و کالاهای تولیدی در قلمرو سرزمینی آن کشور، ارزش افزوده‌ای افزون بر درآمد ناشی از استخراج نفت در اقتصاد کشور ایجاد کنند. با مرور این واقعیت‌ها (البته نه به‌طور مطلق) باید اشاره شود که نیاز به ظرفیت‌سازی محلی در صنعت نفت و گاز ضروری است؛ زیرا درآمد حاصل از نفت و گاز، منبع اصلی درآمد ارزی کشور است.

بنابراین به‌منظور پوشش و یا سرپوش چنین واقعیتهایی، کشورهای دارای منابع نفتی، در حال بازنگری یا الحاقیه‌هایی در قوانین و قراردادهای استخراج و سرمایه‌گذاری کشور خود هستند که یکی از اهداف این بازنگری را می‌توان تعیین سیاست‌های توان داخلی در راستای منافع ملی دانست. این در حالی است که این هدف هیچ‌الگوی ساده‌ای ندارد. هر کشور دارای منابع گوناگون، مجموعه مهارت‌های مختلف در تأمین‌کنندگان محلی، دارایی‌ها و چالش‌های زیرساختی مختلف و محیط‌های مختلف سرمایه‌گذاری است که می‌تواند نتیجه اتخاذ سیاست‌های توان داخل باشد. در این فرایند، شاید رویکرد نروژ به‌عنوان کشوری پیش‌گام قابل‌تأمل بوده و بتوان آن را الگویی موفق در نظر گرفت. بنابراین کشورهای مختلفی در این راستا و به‌موازات معیارهایی که در این کشور استفاده‌شده گام برداشته‌اند. به‌هرحال این پژوهش با توجه به الگوهای تقنینی و اجرایی در کشور، به تحلیل آنچه باید در این زمینه می‌پردازد.

## ۱. مفهوم اصل حداکثر استفاده از توان داخل

اگر بخواهیم موضوع اصل استفاده از توان داخل را در قراردادهای نفتی واکاوی کنیم، بایست ورود این اصل را در صنعت نفت و انرژی بازگو کنیم. طی چند سال گذشته، تغییرات ساختاری چشمگیری در صنعت نفت ایجاد شده است. در اوایل دهه ۱۹۷۰، بسیاری از شرکت‌های نفتی بین‌المللی که توسط تعداد زیادی از واحدهای خدمات مستقل تأمین می‌شدند، اکتشافات نفتی را در مناطق ساحلی و کم‌عمق در سراسر جهان انجام دادند. با این حال، پس از چند دهه صنعت نفت به‌واسطه شرکت‌ها و غول‌های نفتی از زمینه‌های سنتی در خشکی و کم‌عمق فراتر رفته و در مناطق عمیق و دریایی اکتشاف و استخراج را توسعه داد. این موضوع به امکانات پیشرفته‌تر و نیروی کار ماهر نیاز داشت. از آنجاکه اکتشاف و توسعه تأسیسات تولیدی به سرمایه‌گذاری فراوانی نیاز داشت، تنها شرکت‌های بزرگ بین‌المللی قادر به انجام فعالیت‌های اصلی نفت و گاز بودند؛ درحالی‌که شرکت‌های محلی بیشتر در فعالیت‌های غیراصلی و

پیرامونی نفت، مانند بیمه و خدمات‌دهی به گروه‌های مهندسی، متمرکز بودند (Klueh, Pastor, Segura, 2009: 301).

بنابراین باید اذعان داشت که موضوع استفاده از توان داخل، فارغ از مفهوم آن در این مبحث خاص (قراردادهای بخش انرژی نفت و گاز) دارای مفهومی چندوجهی است که ممکن است در هر قرارداد سرمایه‌گذاری خارجی متفاوت باشد. در تعریف توان داخلی و مذاقه در تعاریف، می‌توان دغدغه‌ای ملی را برای تولیدات و یا نیروهای انسانی و فنی در انجام پروژه‌هایی دانست که در سیطره قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی قرار می‌گیرند.

بنابراین الزام و اصل استفاده از توان داخلی، تکلیفی است که کشورها بر سرمایه‌گذاران خارجی تحمیل می‌کنند؛ مبنی بر این که بخشی از کالاها و تجهیزات مورد نیاز خود را از کالاها و خدمات ساخت داخل تأمین کنند (شبروی و پوراسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۱).

## ۲. اصل استفاده از توان داخل در نظام حقوقی ایران

از منظر پیشینه قانون‌گذاری باید گفت که این اهمیت در قوانین اصلی به‌صورت مقرراتی الزامی به تصویب رسیده است. در بند «ب» ماده چهارده قانون برنامه چهارم و جزء ۳ بند «الف» ماده ۱۲۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بدین موضوع اشاره شده است؛ در جایگاه معرفی بایسته‌های قراردادی در قراردادهای بیع متقابل، بایسته و اصل استفاده حداکثری از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور بر اساس قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به‌منظور صدور خدمات» مصوب ۱۳۷۵ مورد نظر قرار گرفته بود و براساس آن، پیمانکار موظف بود تا دست‌کم ۵۱ درصد طرح، توسط نیروها و خدمات داخلی و وطنی انجام شود. این قانون در سال ۱۳۹۱ اصلاح گردید (موسوی و نیکبخت، ۱۳۹۶: ۲۶۸). بار دیگر در سال ۱۳۹۸، قانون سومی با عنوان «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که قانون مصوب ۱۳۹۱ -جز ماده ۱۲ آن قانون<sup>۱</sup>- را منسوخ اعلام کرد.

### ۲.۱. قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور مصوب ۱۳۹۸

در قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸، دغدغه استفاده از توان داخل و تأثیر آن در بخش‌هایی هم‌چون انتقال فناوری، تربیت نیروی متخصص و به‌ویژه

۱. ماده ۱۲ قانون ۱۳۹۱، با موضوع معافیت کارگران اعزامی به خارج از کشور از پرداخت هرگونه مالیات و عوارض، بدون تغییر و لازم‌الاجرا، باقی ماند.

اشتغال‌زایی، در تبصره نخست ماده ۱۶ مقرر شده است: «مصادیق کالاهای ایرانی مشمول این ماده براساس معیارهای متناسب با شرایط اقتصادی و تجاری کشور از قبیل ارزش آفرینی، سهم ساخت داخل، حق امتیاز، اشتغال‌زایی، انتقال دانش فنی، زنجیره ارزش، مزیت‌های نسبی و غیره...».

### ۱.۱.۲. دستگاه‌های مشمول قانون

دستگاه‌های مشمول قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور مصوب ۱۳۹۸، بدین شرح می‌باشند:

کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تابعه آن‌ها، بنیادها، نهادهای موضوع ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی و شرکت‌های تابعه آن‌ها و کلیه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات، دستگاه‌ها و واحدهایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و اشخاص حقوقی وابسته به آن‌ها، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام علیه السلام، قرارگاه‌های سازندگی، سازمان‌های مناطق ویژه اقتصادی با مدیریت بخش عمومی، هیأت امنای صرفه‌جویی ارزی، اعم از اینکه از امکانات دولتی، وجوه عمومی و یا از درآمدهای خود و یا از تسهیلات، اعتبارات و تضامین ارزی و ریالی استفاده می‌کنند، صرف‌نظر از فعالیت در سرزمین اصلی یا مناطق ویژه اقتصادی، مشمول این قانون می‌شوند.

البته شمول احکام این قانون به دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری، منوط به اذن معظم‌له شده است.

### ۲.۱.۲. فرایند خرید کالا و خدمت

۱. براساس بند «الف» ماده ۳ قانون «خرید انواع کالا و خدمت به هر طریق از جمله برگزاری مناقصه یا ترک تشریفات و عدم الزام به تشریفات، بدون رعایت مفاد قانون حداکثر استفاده، ممنوع است».

۲. مطابق بند «ب» ماده ۵ قانون «دستگاه‌های مشمول قانون مکلف‌اند کالاها و خدمات موردنیاز طرح (پروژه) را از سامانه فهرست توانمندی‌های داخلی، تأمین کنند. خرید کالاها و خدمات خارجی (اعم از آنکه از بازار داخلی یا خارجی خریداری شوند) که دارای محصول مشابه «با مشخصات مندرج در سامانه توانمندی‌سازی داخلی» هستند ممنوع است». موضوعی که برای اولین بار در این قانون، بند «الف» ماده ۲۱ اشاره شده، آن است که در عدم رعایت عمدی ماده ۵ قانون و یا ارتکاب موارد غیرعمدی (ناشی

از اهمال و بی احتیاطی) آن، برای بالاترین مقام مسئول و یا بالاترین مقام اجراکننده قرارداد در هر یک از دستگاه‌های مشمول قانون، جرم بوده و مستوجب مجازات است».

قانون‌گذار در موارد وجود ضرورت برای خرید کالا یا خدمات خارجی که محصول مشابه داخلی هم دارند، راه‌حلی پیش‌بینی کرده است. مطابق تبصره اول بند «ب» ماده ۵ قانون، دستگاه مشمول قانون باید مراتب ضرورت را با امضای بالاترین مقام دستگاه مرکزی و با مستندات لازم به وزارت صمت و یا حسب مورد وزارت جهاد کشاورزی، به شرط رعایت نصاب ۵۱ درصد در استفاده از محصولات داخلی، اعلام کند. در صورت تأیید وزیر مربوطه، دستگاه مجاز به خرید کالا و یا خدمت خارجی خواهد بود.<sup>۱</sup> در واقع در تحلیل حقوقی «قانون حداکثر استفاده» در بخش خرید کالا و یا خدمت خارجی، می‌توان بدین نکته پی برد که بایستی چند حالت از یکدیگر تفکیک شود:

حالت اول) چنانچه کالا و یا خدمت خارجی که موردنیاز در اجرای طرح (پروژه) است، مشابه داخلی نداشته باشد، دستگاه مشمول قانون تا سقف حداکثر ۴۹ درصد از سهم ارزشی کل پروژه می‌تواند به خرید کالا و یا خدمت خارجی، اقدام کند.

حالت دوم) چنانچه کالا و یا خدمت خارجی که موردنیاز در اجرای طرح (پروژه) است، مشابه داخلی داشته باشد، دستگاه مشمول قانون موظف است حداقل سه ماه قبل از شروع فرایند خرید خارجی، کالاها و خدمات موردنیاز آن طرح (پروژه) را در سامانه «فهرست توانمندی‌های محصولات داخلی» بارگذاری کند.

حالت سوم) چنانچه کالا و یا خدمت خارجی که موردنیاز در اجرای طرح (پروژه) است، مشابه داخلی دارد، اما دستگاه مشمول قانون ضرورتی را برای خرید خارجی اعلام نماید؛ این ضرورت باید در هر یک از موارد زیر به تأیید بالاترین مقام وزارت مربوطه و یا تأیید شورای اقتصاد برسد (مهدی‌زاده کسرینه، ۱۳۹۸: ۱). در قانون مصوب ۱۳۷۵، خرید کالا و خدمات داخلی، فرهنگ‌سازی شده و خرید کالا و خدمات خارجی، ممنوع اعلام شده است. در قانون مصوب ۱۳۹۱، خرید کالا و یا خدمات خارجی، هم ممنوع اعلام شده و هم تخلف اداری دانسته شده است. در قانون مصوب ۱۳۹۸، خرید کالا و یا خدمات خارجی بدون رعایت مواد ۳، ۵ و ۱۷ این قانون، جرم‌انگاری شده است. شاخص اصلی که در هر سه قانون بیان شده، آن است که مبنای اصلی تصویب قانون بوده، حرکت در مسیر «نهضت ساخت داخل» با رعایت سهم حداقل ۵۱ درصد تولیدات داخلی در میان ارزش کل پروژه است. قانون مصوب ۱۳۹۸، نکته مهمی را افزوده است: بدین عبارت که مطابق تبصره ۶ بند «ب» ماده ۵ قانون «محاسبه حد نصاب ۵۱ درصد

۱. در مواردی که سهم ارزش محصولات داخلی طرح (پروژه) کمتر از ۵۱ درصد باشد، خرید کالا و یا خدمت خارجی، حتی در موارد اثبات ضرورت، منوط به تصمیم‌گیری در شورای اقتصاد است (تبصره ۳ بند «ب» ماده ۵ قانون).

باید بدون در نظر گرفتن ارزش زمین، ساختمان و تأسیسات عمومی صورت گیرد». این هدف بسیار عالی و آرمان‌گرایانه است و باید قانون‌گذاری مناسب برای دستیابی به آن هدف نیز انجام شود.

## ۲.۲. مزایای قانون حداکثر استفاده از توان داخل مصوب ۱۳۹۸

ضمن حفظ و ایجاد محدودیت جدی برای واردات کالا یا خدمات خارجی «بدون بررسی وجود کالای مشابه داخلی»، برخی دیگر از مزایای قانون مصوب ۱۳۹۸ به شرح زیر است:  
الف) تعیین متولی برای تعیین «استاندارد غیرمعارف» و حذف آن استاندارد از روند برگزاری مناقصه موضوع ماده ۴ قانون؛

ب) الزامی شدن پیوست فناوری قرارداد در ماده ۵ قانون پیوست فناوری باید در کلیه طرح‌ها (پروژه‌ها) و ارجاع کارها براساس سند «چشم‌انداز»، «نقشه جامع علمی کشور»، سیاست‌های «علم و فناوری» و «اقتصاد مقاومتی» تهیه شود و جزء لاینفک قرارداد محسوب می‌گردد؛  
ج) امکان واگذاری وصول مطالبات از طریق کارگزاری (فاکتورینگ) به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در ماده ۸ قانون؛

د) گسترش ابزارهای تضمین موردنیاز بخش تولیدی و خدماتی کشور و گسترش پوشش‌های بیمه‌ای در ماده ۹ قانون؛

ه) موافقت با «تجدید ارزیابی دارایی‌های اشخاص حقوقی»، فقط یک‌بار در هر پنج سال موضوع ماده ۱۴ قانون؛

و) معطوف کردن پایان‌نامه‌ها، رساله‌های تحصیلات تکمیلی و مقالات اعضای هیأت علمی به سمت‌وسوی حل مسئله اساسی در کشور موضوع ماده ۱۲ قانون؛

ز) ممنوعیت تبلیغ کالاهای خارجی دارای مشابه یا نمونه ایرانی در ماده ۱۸ قانون تشویق به مشارکت و تشکیل کنسرسیوم در ماده ۱۵ قانون؛

ط) حفظ معافیت کارگران اعزامی به خارج از کشور از هرگونه پرداخت عوارض و مالیات در ماده ۲۴ قانون؛

ی) ممنوعیت وزارت صمت از ثبت سفارش کالاهای مصرفی و مصرفی با دوام خارجی دارای مشابه ایرانی که با کیفیت مناسب و به میزان کافی در کشور تولید شده باشد، موضوع مواد ۱۶ تا ۱۸ قانون.

### ۳.۲. معایب قانون حداکثر استفاده از توان داخلی مصوب ۱۳۹۸

با وجود مزایای پیش گفته، از جمله ایرادها و معایب وارده بر این قانون، این است که در بند اول ماده یک این قانون در کنار واژه «طرح»، واژه «پروژه» در داخل پرانتز قرار گرفته است که اشتباه به نظر می‌رسد؛ زیرا اگرچه طرح و پروژه به هم شباهت دارند، تفاوت‌های قابل توجهی هم دارند.<sup>۱</sup>

ایراد وارده بعدی درباره تعریف محصول داخلی است. مطابق بند ۸ ماده یک این قانون، «محصول داخلی: عبارت از کالای تولیدشده یا خدمتی که با طراحی متخصصان ایرانی یا به طریق مهندسی معکوس یا انتقال دانش فنی و فناوری آن به منظور ایجاد ارزش افزوده در داخل کشور انجام می‌شود». در این تعریف، واژه ارزش افزوده مناسب است، اما واژه‌ای کاملاً کیفی است که قابلیت اندازه‌گیری ندارد؛ زیرا برای تولید محصول داخلی باید کاملاً مشخص شود که در زنجیره ارزش آن، حلقه‌های ایجادکننده ارزش افزوده کدام‌ها هستند؟ بنابراین، یکی از مشکلات تولیدی در کشور، این است که تاکنون تعریف مشخصی از این که یک محصول با چند درصد عمق ساخت، داخلی محسوب می‌شود، نداریم.

ایراد بعدی آنکه در بند ۹ این ماده آمده است: «عمق ساخت داخل، سهم عوامل تولید و نهاده‌های به کار رفته در فرایند ساخت محصول داخلی که در قلمرو جغرافیایی کشور ایجاد شده باشد، است»؛ در این حالت، اگر ما ساخت داخل را مبتنی بر کار عملی در نظر بگیریم، نتیجه آن برابر با تولید خودرو در داخل خواهد بود؛ چراکه عمق ساخت داخل فقط مبتنی بر فعالیت ساخت نیست، بلکه عمق ساخت باید مبتنی بر زنجیره ارزش آن محصول باشد. وقتی ما روی زنجیره ارزش تمرکز کنیم، باید به زنجیره ارزش حلقه‌ای از زنجیره تأمین که بالاترین ارزش افزوده را دارد، توجه کنیم. بنابراین، به یک عمق ساخت داخل که به دانش فناوری، سطح فناوری آن محصول، توان مهندسی، توان طراحی ساخت، توان ساخت و توان مهندسی فروش و پس از فروش آن وابسته است، می‌رسیم.

ایراد چهارم درباره بند ۱۰ است که به مشارکت ایرانی- خارجی مربوط می‌شود. در این بند آمده است که «شرکت متشکل از اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی و خارجی یا گروه اقتصادی که با منافع مشترک (کنسرسیوم) از این اشخاص براساس قرارداد قانونی معتبر برای انجام طرح (پروژه) مشخص، تشکیل شده است». اول این که چرا قانون‌گذار در کنار واژه منافع مشترک، واژه «کنسرسیوم» را در پرانتز آورده است؟ از سوی دیگر، در اینجا، مشارکت ایرانی و خارجی باید تعریف شود؛ زیرا منافع مشترک، حاصل بازار مشترک، تولید مشترک و توسعه فناوری مشترک است؛ چراکه این شرکت‌ها اغلب مشارکت مدنی ایجاد می‌کنند یا در هم ادغام می‌شوند اما کنسرسیوم بیشتر برای اجرای یک پروژه از جنس احداث است.

۱. تفاوت‌هایی مانند این که: ۱. «تولید محصول» حاصل پروژه بوده و «نتیجه» حاصل طرح است؛ ۲. پروژه می‌تواند به نحو تطبیقی یا متعین اجرا شود، ولی طرح حتماً بایستی به نحو تطبیقی اجرا گردد؛ ۳. تغییرات سازمانی معمولاً از نوع طرح هستند، نه پروژه؛ یعنی با نتیجه سروکار دارند، نه محصول؛



از سوی دیگر، ایراد قانونی ماده ۱۰ این است که کنسرسیوم در کشور ما هنوز جایگاه قانونی ندارد و حتی افتتاح یک حساب بانکی برای کنسرسیوم، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قانون‌گذار تنها شرکت‌های پیش-بینی شده در قانون تجارت را به عنوان شخص حقوقی شناخته و حال آنکه مشخص نیست کنسرسیوم در کدام قالب شرکتی جای می‌گیرد.

هرچند قانون‌گذار در این قانون کوشیده است تا به صورت جدی‌تر، استفاده از ظرفیت داخل را رونق ببخشد تا جایی که عدم رعایت برخی مفاد قانون، جرم‌انگاری شده است؛ اما در شرایط تحریم، اگر ضرورت داشته باشد مقدمات پریچ‌وخم قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی»، نوعی خودتحریمی تلقی شده است؛ زیرا فرایندهایی همچون درج در سامانه حداقل سه ماه قبل از هر خرید خارجی، اخذ مجوز از بالاترین مقام وزارت صمت یا وزارت جهاد کشاورزی، اخذ تأییدیه از شورای اقتصاد، ثبت سفارش کالا مطابق قانون صادرات و واردات و ارائه مدارک فوق، هم‌زمان با ثبت سفارش در وزارت صمت؛ بدین ترتیب ملاحظه می‌کنید که خرید کالای خارجی موردنیاز برای اجرای یک طرح یا پروژه با موانع داخلی و خارجی همراه شده است (مهدی‌زاده کسرینه، ۱۳۹۸: ۱).

### ۳. اصل استفاده از توان داخل در قراردادهای نفتی ایران

قراردادهای نفتی ایران از گذشته تاکنون به سه نوع مهم قراردادهای امتیازی، مشارکتی و خدماتی تقسیم شده‌اند که هرکدام از این سه نوع قرارداد، ویژگی‌های مشترک و متفاوتی با یکدیگر داشته و مفاهیم قراردادی مختلفی در پیش گرفته‌اند. قراردادی که در کشور ما مورد استفاده است، غالباً در دهه‌های اخیر بیع متقابل بوده که همانند قراردادهای جدید نفتی ایران، از نوع خدماتی هستند. گزاره «استفاده از توان داخل» در این الگوی قراردادی به یک نحو نبوده است که در ادامه، به نگرش هرکدام از این قراردادها به این اصل پرداخته می‌شود.

واقعیت این است که قراردادهای نفتی، ابزاری حقوقی برای توسعه میادین نفتی است؛ بنابراین آنچه در قراردادها، فارغ از نوع و خصیصه شکلی آن قابل بیان است، ظرفیت آن‌ها در عرصه انتقال فناوری است که می‌تواند همراه با آموزش باشد. الزام قراردادهای، افزون بر انتقال فناوری باید در بردارنده حداکثر استفاده از سهم (توان) داخل باشد. این دو مؤلفه مهم در قراردادهای نفتی، پویایی اقتصاد کشور و نیز توسعه میادین نفتی را در پی خواهد داشت. با این حال باید افزود که قراردادهای نفتی مجموعه‌ای از مناسبات و تعاملات است که در مطلوب‌ترین شرایط برای طرفین در بستری حقوقی تجلی می‌یابد (تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۶).

از سوی دیگر، به سبب آنکه کار در پروژه‌های صنعتی مستلزم برخورداری نسبی نیروی کار از مهارت‌های فنی است، معمولاً اشتغال با آموزش همراه می‌شود؛ بدین منظور در قراردادهای سرمایه‌گذاری،

به‌ویژه قراردادهای نفتی، معمولاً شرطی به استخدام نیروی کار داخلی و آموزش آن‌ها اختصاص می‌یابد. مطابق این شرط، پیمانکار متعهد می‌شود اتباع دولت میزبان را در شرایط برابر، بر کارکنان خارجی ترجیح داده و در اجرای عملیات نفتی به استخدام آن‌ها مبادرت ورزد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۴: ۸۰۸).

بنابراین در بند «ت» ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی بند «ج» ماده ۲ قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، قانون‌گذار مقرر می‌کند: «متغیر a مربوط به آموزش نیروهای ایرانی است. چنانچه پیمانکار خارجی شریک یا پیمانکار دست دوم خارجی به هر تعداد حرفه که در قراردادها خواسته شده باشد، نیروهای ایرانی را استخدام و به کار گمارده و به آن‌ها به‌حدی آموزش دهد که موفق به اخذ گواهی‌نامه آن حرفه از مؤسسات معتبر بین‌المللی گردند». مقررات این بند به موضوع مطروحه در صنعت نفت و گاز که معمولاً پیمانکاران و سرمایه‌گذاران خارجی متولی فرایند بهره‌برداری می‌گردند، قابل تسری است.

درهرحال، الزام به استخدام و به‌کارگیری نیروهای خیره وطنی، افزون بر این تعلیم کارکنان شرکت ملی نفت ایران برای انتقال دانش فنی و انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل مورد نظر قرار گرفته است و در قراردادهای خدماتی (نسل سوم بیع متقابل) پیمانکار مکلف است تا طبق برنامه تعیین شده در یکی از ضامتهای پیوست قرارداد، در خصوص استفاده حداکثر از توان و نیروی انسانی ایرانی اقدام کند. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷)

در قراردادهای جدید نفتی ایران نیز چنین شرطی گنجانده شده است و مطابق آن «پیمانکار باید با رعایت قانون، در طول اجرای این قرارداد از کالا و خدمات بومی ایرانی استفاده کند و برای تأمین تجهیزات، کالاها، مواد، کارها و خدمات، از موارد مندرج در ضمیمه (حداکثرسازی محتوای ایرانی) استفاده کند؛ این ضمیمه به گونه‌ای طراحی شده است که در به حداکثر رساندن استفاده از محتوای ایرانی، کمک نماید. مطابق این ضمیمه، حداقل استفاده از محتوای ایرانی که توسط پیمانکار طبق قرارداد حاصل می‌شود، نباید کمتر از پنجاه و یک درصد (۵۱٪) میزان سرمایه‌گذاری باشد» و مهم‌تر آنکه در این قراردادها برای عدم رعایت این شرط ضمانت اجرا پیش‌بینی و بیان شده است: «نقض تعهدات پیمانکار برای دستیابی به حداقل محتوای ایرانی به‌منزله نقض قرارداد است» و «کمیته‌ای را برای نظارت بر این تعهد قراردادی موظف نموده است تا گزارشات مرتبط با آن را به شرکت ملی نفت ایران ارائه دهد»

#### ۴. اصل استفاده از توان داخل در قراردادهای بین‌المللی

همچنان که بیان شد، تعهدات پیمانکار، استفاده از توان داخلی در قراردادهای نفتی است. این امر به دو شکل به‌کارگیری نیروی انسانی و خرید مواد و تجهیزات از منابع داخلی نمایان می‌شود:

نخست) به‌کارگیری نیروی داخلی: یکی از ضرورت‌های اولیه قراردادهای نفتی به‌کارگیری نیروی داخلی است؛ مشروط بر این‌که نیروی متخصص کیفی براساس استانداردهای بین‌المللی در سرزمین دولت میزبان وجود داشته باشد. بدیهی است چنانچه این نیروی متخصص در داخل موجود نبوده و تأمین نگردد، پیمانکار می‌تواند از نیروی متخصص خارجی بهره برده و دولت میزبان مکلف است همکاری‌های لازم را از نظر مقررات اداری، صدور ویزا، اقامت و اجازه کار و اشتغال این‌گونه افراد معمول دارد.

دوم) استفاده از منابع داخلی: از جمله تعهدات پیمانکار، استفاده از منابع داخلی است (Turkmenistan Production Sharing Agreement Model, Art.20). پیمانکار مکلف است اولویت تهیه کالا را به کالاهای تولیدشده و یا موجود در دولت میزبان داده و همچنین مکلف است درباره خدمات مورد نیاز از شهروندان و شرکت‌های داخلی استفاده کند؛ مشروط بر این‌که این کالاها و خدمات براساس شرایط مساوی و یا بهتر از شرایط کالاها و شرایط وارداتی قلمداد گردد. مبنای مقایسه قیمتی نیز همانا قیمت تمام‌شده کالا و قیمت نهایی کالای خریداری‌شده و یا خدمات خریداری‌شده از منابع خارجی است.

هم‌چنین تأمین حداقل نیازهای داخلی انرژی که در پرتو قسم دوم بررسی می‌گردد: از دیگر تعهدات پیمانکار همانا تأمین حداقل نیازهای داخلی درخصوص نفت و گاز است که از آن در قراردادهای نفتی به‌عنوان تأمین حداقل نیازهای داخلی انرژی نام می‌برند. هم‌چنین در شرایط عادی، پیمانکار موظف است حجم معینی از نفت و گاز استخراجی را به دولت میزبان براساس قیمت مورد توافق و محاسبه‌شده براساس شرایط قراردادی تحویل نماید. هم‌چنین در شرایط بحرانی، دولت میزبان محق خواهد بود که با اعلام قبلی به پیمانکار، سهم معینی از سهم شرکت پیمانکار از نفت استخراجی را براساس قیمت مبنای قراردادی خریداری کند. بدیهی است این حق دولت میزبان منوط بر آن است که سهم دولت، به نیازهای ضروری و فوری ملی مکفی نبوده که در این صورت می‌تواند از سهم متعلق به پیمانکاران و با پرداخت قیمت آن بهره ببرد.

این واقعیتی است که استفاده از توان داخلی و سهم داشتن در تولیدات نفتی و از دست ندادن بازارهای داخلی در مقابل غول‌های سرمایه‌گذار نفتی، چالش ژرفی است که می‌توان آن را در نوع قرارداد تعدیل کرد. پس برای دستیابی به یک الگوی قراردادی مناسب باید به دنبال این بود که کدام کشور و با چه نوع قراردادی توانسته است با شروط عادلانه، صنعتگران داخل را نیز در سود حاصل از بهره‌برداری سهیم کند و در همان حال بهترین شرایط را نیز برای سرمایه‌گذاران نفتی فراهم سازد. کشور نروژ با قرارداد امتیاز، این دو معیار (حمایت از سهم داخلی و ایجاد جاذبه برای سرمایه‌گذاری) را به‌خوبی در کنار هم نهاده است. کشور عراق نیز حتی با توجه به نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی، در نوع خود با ایجاد جاذبه‌هایی برای سرمایه‌گذار و حساسیت برای بهره‌برداری از نفت و آنچه ثروت ملی خوانده می‌شود، در راه توسعه کشور با قرارداد خدمات، موفقیت‌هایی به‌دست آورده است؛ تاآنجا که طبق آمار سال‌های اخیر، در بهره‌برداری از

میادین مشترک نفتی، موفق تر از ایران عمل کرده است. پس با بررسی این دو نوع قرارداد، یعنی قرارداد امتیازی و خدماتی، در دو کشور مزبور در مقابل نوع قراردادی که در ایران استفاده می‌شود، شاید بتوان راهکارهای مثبت و عقلانی را برای استفاده بهتر از قراردادهای نفتی ارائه داد تا بتوان در بهره‌برداری‌ها از منابع نفتی، هم از توان سهم داخل بهره برد و هم جاذبه‌هایی برای سرمایه‌گذاری خارجی که این روزها می‌تواند موتور محرکه‌ای برای توسعه در بهره‌برداری از میادین نیمه تعطیل باشد، گردد. براساس این تجربیات موفق، سایر شرکت‌های صادرکننده نفت، رویکردهای مثبتی را برای توسعه توان داخل در نظر گرفته‌اند تا مزایای استخراج نفت و گاز را افزایش دهند (Kluh, Pastor, Segura, 2009: 29) که در ذیل به این ساختار و چهارچوب اصل استفاده از توان داخل در دو کشور عراق و نروژ اشاره می‌گردد.

#### ۱.۴. اصل حداکثر استفاده از توان داخلی در قرارداد خدماتی عراق

در قراردادهای خدماتی عراق، شرکت‌های بین‌المللی نفتی، به‌عنوان عامل برای شرکت‌های تحت مالکیت دولت عراق فعالیت می‌کنند و کل پرداخت‌ها و خطرات را می‌پذیرند و در مقابل، کارمزد بدون تغییری تحت عنوان پاداش (اجرت/دستمزد/سود)<sup>۱</sup> به ازای هر بشکه تولید، به عامل پرداخت می‌شود (دیبوند، ۱۳۹۷: ۴۳).

بخش ششم قرارداد خدمات در عراق به مقوله «اشتغال و آموزش» اختصاص یافته و تکالیف پیمانکار را مشخص کرده است. براساس این بخش، عامل موظف است تا حد ممکن، از افراد تبعه کشور عراق و دارای شرایط مورد نظر استفاده کند و اطمینان یابد که عاملان فرعی به همین منوال عمل می‌کنند (زنگی، ۱۳۹۸: ۲۹). بنابراین همین‌طور که از این بخش از قرارداد برمی‌آید، به‌خوبی اصل حداکثر توان داخل به‌عنوان شرط تحقق قرارداد و به‌نوعی الزام بر اجرا در آن در نظر گرفته شده است. در این بخش، آنچه موضوعیت می‌یابد، افزون بر اشتغال نیروی بومی و محلی عراق، آموزش این نیروها نیز که لازمه اشتغال است، مدنظر بوده است (نوروزی، ۱۳۹۷: ۲۹).

طبق قراردادهای موسوم به خدمات در عراق، پیمانکار، خدمات و فناوری‌های پیشرفته را برای بازسازی، تولید بهتر و بازیافت بیشتر نفت از میدان نفتی ارائه خواهد داد. افزون بر این، پیمانکار کلیه منابع مالی را تأمین می‌کند و با هزینه خدمات پاداش می‌گیرد. در راستای توجه به اصل استفاده از توان داخل، همیشه اولویت‌ها و مصالح عراق و کالاها، مواد اولیه، تجهیزات و مواد مصرفی تولیدشده در کشور

عراق باید در اولویت باشد. بعد از شش ماه از تاریخ لازم برای توافق، پیمانکار باید طرحی مبنی بر استخدام نیروها را ارائه دهد که مطابق با الزامات قانونی استفاده از توان داخلی انجام شده است. بنابراین در قراردادهای خدمات، اصل استفاده از توان داخلی، هم در زمینه تولیدات داخلی و هم در زمینه استفاده از نیروی انسانی بومی در نظر گرفته شده است که به نظر می‌رسد موضوع استفاده از محصولات داخلی در این قراردادها غلبه دارد؛ زیرا در این قراردادها، اولویت با تجهیزات و مواد اولیه‌ای است که به راحتی در اقلیم کردستان و سایر مناطق عراق در دسترس هستند. تأنجا که قیمت، درجه، کیفیت، مقدار، مشخصات، خرید، تحویل و سایر شرایط تجاری و فنی قابل مقایسه با دیگر رقباست (Olawuyi, 2018: 10). البته عراق در این قراردادها تعریف گسترده‌تری از استفاده از توان داخلی را اتخاذ می‌کند که شامل خدمات توسط نهادها و شرکت‌های ثبت‌شده محلی و استخدام نیروی انسانی محلی که شامل اتباع و ساکنان می‌شود، ارائه می‌دهد (Ibid, 2018: 10). به‌رحال به نظر می‌رسد رویکرد اتخاذی در راستای اصل استفاده از توان داخلی در کشور عراق به موجب قراردادهای خدماتی و حتی در قراردادهای مشارکتی اقلیم کردستان رویکرد ساده‌تری است که به شرکت‌های سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد اجرای این اصل را با واقعیت‌های بازار غالب هماهنگ کند (Ibid, 2018: 10).

تفاوتی که درباره اجرای اصل مزبور در عراق و دیگر کشورهای منطقه وجود دارد، این است که در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله در قراردادهای نفتی ایران، شرکت سرمایه‌گذار باید پس از شروع از طریق بیانیه‌های سالانه، ممیزی‌ها یا استانداردهای اجباری، عملکرد خود را مبنی بر رعایت اصل مزبور نشان دهد تا انطباق با این اصل و الزامات خرید را مطلع سازد. این در حالی است که در عراق و به موجب قراردادهای خدماتی، برنامه‌های خرید باید قبل از شروع عملیات نفت ارائه گردد. هم‌چنین پیمانکار وظیفه دارد تا حداکثر ممکن عراقی‌های دارای شرایط را به کار گیرد. این حداقل تعهدی است که طرف قرارداد در هر دو قرارداد مشارکت تولید (شیوه اجرایی در اقلیم کردستان) و قرارداد خدمات (شیوه جاری در عراق) در راستای احیای اصل استفاده از توان داخلی متحمل می‌گردد. پس پیمانکار موظف است به «تعداد توافق‌شده‌ای» از شهروندان عراقی آموزش و شغل ارائه دهد، اما نحوه اجرای این توافق توضیح داده نشده است؛ درحالی که در قراردادهای خدماتی نفت و گاز درباره حمایت از فعالیت‌های تحقیق و توسعه نفت در این کشور یا حمایت از برنامه‌های آموزشی و فن‌آموزی در دانشگاه‌های عراق، هیچ ماده‌ای در قرارداد وجود ندارد.

#### ۲.۴. اصل حداکثر استفاده از توان داخلی در قرارداد امتیازی نروژ

اگرچه اهداف ارتقای توان داخلی، شیوه‌های اجرایی و نحوه نظارت بر آن در کشورهای دارای منابع نفتی از جمله قزاقستان، نیجریه، روسیه و انگلستان، تقریباً مشابه است، اما نروژ در زمینه استفاده از توان داخلی، به‌عنوان الگو شناخته می‌شود (huem, 2008: 3). درباره نظام قراردادی، دولت نروژ سازوکار قراردادهای امتیازی را برای استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز به مقصود خود نزدیک‌تر یافت. ساختار قراردادهای امتیازی به‌گونه‌ای طراحی گردید که امکان پیشرفت و ارتقای کارشناسان و متخصصان نروژی در زمینه امور فناورانه آن کشور را در طول زمان فراهم می‌کرد. سیاست دولت به این معنا بود که شرکت‌های تأمین‌کننده نفت و گاز نروژ، فناوری‌های پیشرفته را توسعه داده و در نتیجه، بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی، بخشی از زنجیره تحقیق و توسعه خود را در این کشور مستقر کنند. همچنین دولت نروژ، از روش قرارداد امتیاز به‌عنوان ابزاری برای اجرای مشارکت شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای انتقال فناوری و توسعه در راستای استفاده از توان داخلی استفاده کرد.

در قوانین و مقررات نفتی نروژ، هیچ تعریفی از «توان داخلی» ارائه نشده است؛ با وجود این، بند ۵۴ فرمان سلطنتی مصوب ۱۹۷۲، متضمن قاعده استفاده از توان داخلی بوده که به موجب آن، کالاها و خدمات شرکت‌های نروژی در صورت وجود شرایط رقابتی، از جمله قیمت، کیفیت و برنامه زمان‌بندی، می‌بایست بر سایر شرکت‌ها اولویت و ترجیح داده شود (Bjarknes, 2014: 1). پس از تصویب قانون نفت ۱۹۸۵، ماده ۲۳ آن، شرکت‌های نفتی را ملزم می‌کرد تا طرح راجع به بهره‌برداری از منابع نفتی را برای تأیید به وزارت نفت و انرژی ارائه نمایند که این طرح می‌بایست موجب فراهم نمودن فرصت برای تأمین کالا و ارائه خدمات در توسعه، بهره‌برداری و نگهداری پروژه گردد (Aoun; Carole Mathieu, 2015: 6). در راستای اصل استفاده از توان داخلی و به موجب قرارداد امتیاز، تمرکز بر نوآوری نیز قرار گرفت. مؤسسه تحقیقاتی آ.آ.اف. روگولند<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۳ برای توسعه تخصص در فناوری‌های نفت و گاز تأسیس شد و دانشگاه استاوانگر<sup>۲</sup>، بودجه دولتی را برای توسعه برنامه‌های تحقیقاتی در مهندسی نفت دریافت کرد. همچنین کسورات مالیاتی برای تشویق شرکت‌های نفتی و گازی به منظور استقرار فعالیت‌های تحقیق و توسعه خود در نروژ در نظر گرفته شد.

همچنین سهم اصل استفاده حداکثری از توان داخلی به موجب قراردادهای نفتی نروژ برای سرمایه‌گذاری در توسعه میادین جدید نفتی از ۵۰ تا ۶۰ درصد است و برای تعمیر و نگهداری و بهره‌برداری به ۸۰ درصد می‌رسد (Heum, 2008: 8). نروژ در سال ۱۹۹۴ ناگزیر شد خود را برای ورود به منطقه اقتصادی اروپا آماده کند و

1. RF-Rogaland

2. Stavanger

در نتیجه، مفاد ماده ۵۴ فرمان سلطنتی ۱۹۷۲ را حذف کرد. از آن زمان به بعد، با این که تأمین‌کنندگان خدمات در مناقصه‌ها در رقابت بین‌المللی قرار گرفته‌اند، اما مانع گسترش آن‌ها نشده است.

اگرچه اهداف ارتقای توان داخل، شیوه‌های اجرایی و نحوه نظارت بر آن در کشورهای دارای منابع نفتی تقریباً مشابه بوده، اما کشور نروژ به معنای واقعی یک الگوی موفق در پیاده‌سازی سیاست‌های توان داخل بوده است که مهم‌ترین دلایل موفقیت این کشور را می‌توان در حضور فعال و سنجیده دولت، قانون‌گذاری دقیق در تمام سطوح، حفظ فضای رقابت سازمانی، نهادی و شرکتی و نیز استفاده و بهره‌برداری از توان و ظرفیت‌های موجود تجاری، صنعتی و مهندسی موجود خلاصه کرد.

شرط دیگری که به عنوان امتیازی در راستای احیای اصل استفاده حداکثری از توان داخلی بود، موضوع آموزش نیروی انسانی شرکت‌های ملی بود؛ به‌منظور اجرای این شرط، از جمله تعهدات اپراتورها، اطمینان از حداقل ۵۰ درصد از کل هزینه‌های تحقیق و توسعه تحت پوشش تولیدات در نروژ و همکاری با پیمانکاران نروژی بود. بنابراین می‌توان دریافت که نه تنها اقدامات مرتبط با اصل استفاده از توان داخل در قراردادهای امتیاز در نروژ به صورت غالب اعمال شده است، بلکه الزامات خاص و اجباری نیز در این زمینه قابل واکاوی است؛ زیرا آموزش نیروهای انسانی و متخصصان از یک‌سو و تحقیقات در حوزه نفت و گاز نیز جزء شروطی بودند که تحت قیمومیت این اصل در قراردادهای حق امتیاز نروژ به عنوان شرطی الزامی درج می‌شوند (Bjørknes, 2017: 32).

## نتیجه

ماهیت خاص صنعت نفت به دلیل فناورمحوری و تخصص‌مداری موجب می‌شود تا قسمت عمده هزینه پروژه صرف خرید تجهیزات و خدمات گردد. کشورهای میزبان تلاش می‌کنند با روش‌های مختلف، به‌ویژه تصویب قوانین، این نیازها را با تکیه بر توان داخل برطرف نموده و از این طریق منافع و سود خود را از عملیات نفتی افزایش دهند.

این مقاله برای دستیابی به این مقصود، رویکرد این سیاست در دو کشور عراق و نروژ، اولی به عنوان شباهت نوع قراردادهای خدماتی خود با کشور ما و دومی به علت آنکه الگویی موفق در زمینه استفاده از توان داخل در سطح جهان بوده است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و مشخص گردید که این نهاد حقوقی در کشور عراق از اهمیت راهبردی برخوردار بوده و از استفاده از کالا و خدمات عراقی گرفته تا استخدام نیروهای بومی در پروژه‌های نفتی به‌منظور توسعه اقتصادی و اجتماعی به جد مدنظر قرار گرفته است. همچنان که بیان شد، در قراردادهای خدماتی عراق، استفاده از کالاها و خدمات موجود عراقی در اولویت است؛ منوط به این‌که: ۱. از لحاظ قابلیت و کیفیت با آنچه در بازارهای بین‌المللی است، قابل

رقابت باشد؛ ۲. بهای آن‌ها ده درصد از بهای مشابه خارجی بیشتر نباشد. بنابراین، پیمانکار و بهره‌بردار، پیمانکاران، نمایندگان و کارمندان، خود را ملزم به رعایت این مقررات خواهند کرد.

این در حالی است که یکی از نمونه‌های موفق در پیاده‌سازی سیاست‌های توان داخل، کشور نروژ است که مهم‌ترین دلایل موفقیت این کشور را می‌توان در حضور فعال و سنجیده دولت، قانون‌گذاری دقیق در تمام سطوح، حفظ فضای رقابت سازمانی، نهادی و شرکتی و نیز استفاده و بهره‌برداری از توان و ظرفیت‌های موجود تجاری، صنعتی و مهندسی موجود خلاصه کرد.

قانون‌گذار ایران نیز با درک اهمیت این موضوع در دوره‌های زمانی گوناگون نسبت به تصویب مقررات درباره ارتقای توان داخل اقدام کرده است؛ اما همچنان صنعت نفت در این زمینه با ضعف‌هایی روبه‌روست. همان‌طور که بیان شد، قراردادهای خدماتی بیع متقابل، دارای ضعف‌هایی بود که موجب بی‌توجهی به تخصص محوری در این صنعت شده بود. به‌رحال در الگوی جدید قراردادی ایران - آی.پی.سی - نیز که در قالب قرارداد خدماتی تدوین شده است، نه به‌طور کلی ضعف‌های بیع متقابل پوشش داده شده و نه سعی شده جذابیت قراردادهای خدماتی کشور عراق (شراکت شرکت‌های نفتی در پروژه‌ها جهت ترغیب) لحاظ شود.

با توجه به این که فلسفه اصلی و روح قانون حداکثر استفاده از توان داخل، قوت بخشیدن به جایگاه شرکت‌های پیمانکار داخلی در اجرای پروژه‌های بخش عمومی (و نفتی) و ثانیاً، ایجاد قابلیت فناورانه بوده است، پس برای دستیابی به توسعه اقتصادی گسترده‌تر از بهره‌برداری از منابع نفت، گاز و مواد معدنی در کشورهای منتخب، به این نتیجه رسیدیم که سیاست‌گذاران باید روی دو هدف اساسی تمرکز کنند: ۱. تقویت مشارکت محلی در این صنایع؛ ۲. تنوع اقتصادی به‌دور از وابستگی گسترده به نفت، گاز و منابع معدنی.

### بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

## منابع

### الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله؛ مهدی منتظر؛ فرزاد مسعودی (۱۳۹۳). «اصول قانونی حاکم بر قراردادهای خدماتی بالادستی صنعت نفت و گاز ایران». *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۲۶-۱. در: [https://jiece.atu.ac.ir/article\\_598.html](https://jiece.atu.ac.ir/article_598.html) (۱۵ آذر ۱۴۰۱)



۲. ابراهیمی، سید نصرالله؛ سعیده قاسمی (۱۳۹۷). «بررسی الزامات قانونی استفاده از توان داخل در صنعت بالادستی نفت و گاز». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال بیستم، شماره ۵۹، ص ۹۵-۶۳  
DOI:10.22054/qjpl.2017.22731.1547
۳. تراب‌زاده چهرمی، محمداصداق؛ سید کاظم حسینی؛ محمد نوروزی (۱۳۹۶). «تبیین تغییر خط‌مشی با استفاده از الگوی چهارچوب ائتلاف مدافع (مطالعه موردی: قراردادهای نفتی ایران IPC)». *نشریه بهبود مدیریت*، سال یازدهم، شماره ۱ (۳۵)، ص ۳۴-۱. در: [http://www.behboodmodiri.ir/article\\_49057.html](http://www.behboodmodiri.ir/article_49057.html)
۴. حاتمی، علی؛ اسماعیل کریمی‌ان (۱۳۹۳). *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*. تهران، انتشارات تیسرا.
۵. دیباوند، هادی (۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی ابعاد مالی قراردادهای جدید نفتی ایران (IPC) با قرارداد بیع متقابل: مطالعه موردی فازهای ۴ و ۵ میدان گازی پارس جنوبی». *رساله برای دریافت درجه دکتری*، دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. زنگی، مریم (۱۳۹۸). «بررسی و راهکارهای انتقال و ارتقای فناوری در جریان اجرای قراردادهای نفتی». *پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه محدث نوری، دانشکده اقتصاد و علوم اداری.
۷. شیروی، عبدالحسین؛ علیرضا پوراسماعیلی (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی الزام سهم داخل در قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی». *نشریه حقوقی دادگستری*، دوره ۷۵، شماره ۷۴، ص ۶۸-۴۱  
DOI: 10.22106/ijl.2011.11083
۸. عامری، فیصل؛ محمدرضا شیرمردکی دزکی (۱۳۹۳). «قراردادهای امتیازی جدید و منافع کشورهای تولیدکننده نفت: تحلیلی بر مالکیت نفت، نظارت و مدیریت دولت میزبان و رژیم مالی قرارداد». *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال دوم، شماره ۶، ص ۱۰۸-۶۵. در: [https://jplr.atu.ac.ir/article\\_655.html](https://jplr.atu.ac.ir/article_655.html) (۱۹ دی ۱۴۰۱)
۹. عامری، فیصل (۱۳۹۶). «الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران و معضل انتقال فناوری در صنعت نفت». *پژوهش حقوق عمومی*، سال نوزدهم، شماره ۵۵، ص ۱۰۶-۸۳  
DOI:10.22054/qjpl.2017.7779
۱۰. غفاری، علیرضا (۱۳۹۷). «ابعاد اقتصادی و حقوقی ساخت داخل تجهیزات صنایع بالادستی نفت و گاز کشور». *رساله برای دریافت درجه دکتری*، دانشگاه علامه طباطبایی، پردیس تحصیلات تکمیلی خودگردان.
۱۱. قنبری جهرمی، محمدجعفر؛ مجتبی اصغریان (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی ترتیبات مالی قراردادهای خدماتی نفتی عراق و ایران». *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ششم، شماره ۲، ص ۷۷۱-۷۵۱.  
DOI: 10.22059/jcl.2015.55787
۱۲. منتظر، مهدی؛ سید نصرالله ابراهیمی (۱۳۹۲). «جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید». *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۹، ص ۲۳۳-۲۱۵. در: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=300917> (۱۴ دی ۱۴۰۰)
۱۳. موسوی، حسن؛ حمیدرضا نیکبخت (۱۳۹۶). *تحلیل حقوقی الگوی قراردادی صنعت نفت و گاز ایران با تأکید بر الگوی قراردادی جدید IPC*. تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۴. مهدی‌زاده کسری‌نیه، حسین (۱۳۹۸). «کارآمدی یا ناکارآمدی قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور». در: <https://www.alef.ir/news/3980411119.html> (۱۶ آذر ۱۴۰۰)

۱۵. نوروزی، محمد (۱۳۹۷). «مقایسه ظرفیت قراردادهای بالادستی نفت از منظر انتقال و توسعه فناوری با رویکرد عوامل حیاتی موفقیت». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره هشتم، شماره ۲۷، ص ۴۸-۱۹. در:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=359782> (۱۲ فروردین ۱۴۰۱)

۱۶. یقظین، علی (۱۳۹۲). «جریان‌شناسی دولت‌های پس از جنگ در تقویت ساخت داخل». سرویس صنعت‌عیار آنلاین. در: <https://ayaronline.ir/1392/09/41232.html> (۲۸ اسفند ۱۳۹۹)

## ب) خارجی

17. Azhagaliyeva, D., & Kalyuhnova, Y (2016). *The evaluation of local content implementation in Kazakhstan*. Kainar University. Retrieved from <http://centaur.reading.ac.uk/67517> (Accessed 11 May 2022).
18. Benghida, Sonia (2017). "Norwegian Oil Management Structure: Farouk Al-Kasim Innovative Solutions". *International Journal of Civil Engineering and Technology*. IAEME Publication. <https://hal.archives-ouvertes.fr/hal-01516617/document>
19. Bjørknes, Silje Stephanie Goncalves (2017). *Lifting the resource curse by using local content requirements*. Ansvarlig for denne tjenesten Universitetsbiblioteket i Oslo, <http://urn.nb.no/URN:NBN:no-46500> (Accessed 2 September 2022)
20. Kumar, Nagesh (2006). *Use and Effectiveness of Performance Requirements: what can be learnt from the Experience of Developed and Developing countries?* UNCTAD. The development Dimension of FDI: Policy and Rule-making Perspective, New York and Geneva, United Nations, Available at: <http://www.ris.org.in,201005/20>. (Accessed 15 May 2022).
21. Kumar, Nagesh (2010). *Performance Requirements as Tools of Development Policy: Lessons from Experiences of Developed and Developing Countries for the WTO Agenda on Trade and Investment*, Zone IVB, Fourth Floor, India Habitat Centre.
22. Carlos M. Correa and Nagesh Kumar (2004). *Protecting Foreign Investment*. The Amazon Book Review, The Amazon Book Review, ISBN-10: 8171883176, ISBN-13: 978-8171883172. (Accessed 11 December 2021).
23. Heum, Per (2008). "Local Content Development: Experience from Oil and Gas Activities in Norway". SNF Working Paper No. 02/08. [https://www.clingendaelenergy.com/inc/upload/files/IGU2015\\_Local\\_Content\\_TF3\\_IGU\\_Final\\_May\\_2015.pdf](https://www.clingendaelenergy.com/inc/upload/files/IGU2015_Local_Content_TF3_IGU_Final_May_2015.pdf) (Accessed 9 January 2023).
24. Klueh, U. H, Pastor, G, & Segura, A (2009). *Policies to improve the local impact from hydrocarbon extraction: Observations on West Africa and possible lessons for Central Asia*. Energy Policy, 37, 1128-1144. [https://econpapers.repec.org/article/eeenepol/v\\_3a37\\_3ay\\_3a2009\\_3ai\\_3a3\\_3ap\\_3a1128-1144.htm](https://econpapers.repec.org/article/eeenepol/v_3a37_3ay_3a2009_3ai_3a3_3ap_3a1128-1144.htm) (Accessed 5 May 2022).
25. Krohn, Mads et al (1978). *Norwegian Petroleum Law*, Sjørettsfondet. Scandinavian Institute of Maritime Law, N: 3.331. <http://www.sjorettsfondet.no/English.htm> (Accessed 13 May 2022).
26. Olawuyi, Damilola.S (2018). "Local content requirements in oil and gas contracts: regional trends in the Middle East and North Africa". *Journal of Energy & Natural Resources Law* To link to this article: <https://doi.org/10.1080/02646811.2018.1477494> (Accessed 13 May 2022).